



محوریت فرهنگ و ظرفیت اساسی آن در تحول و سازندگی

فرهنگ امروزه در کشور ما از آن دسته اموری است که بشدت مورد غفلت واقع شده است. کارهای فرهنگی بسیاری در داخل و خارج کشور بر زمین مانده و باید دلسوزانه، همراه با خبرگی و کارشناسی رسیدگی شوند.

فرهنگ امروزه در کشور ما از آن دسته اموری است که بشدت مورد غفلت واقع شده است. کارهای فرهنگی بسیاری در داخل و خارج کشور بر زمین مانده و باید دلسوزانه، همراه با خبرگی و کارشناسی رسیدگی شوند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه- ثریا برته: احساس نگرانی عمیق رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره فرهنگ و اشارات مدام ایشان پیرامون این مساله ی بنیادین، ما را برآن داشت تا چرایی دغدغه های فرهنگی ایشان را بطور گذرا در بیاناتشان واکاوی کنیم. رهبر به عنوان شخص اول مملکت و شخصی که وظیفه ی سیاستگذاری دینی و فرهنگی را برعهده دارد این دغدغه را به درگیری در میدان جنگ تشبیه می کنند و نکاتی پیرامون جایگاه فرهنگ و تناسب آن با رفتارهای جامعه، عقاید و اخلاقیات را تبیین می فرمایند. برای بررسی این دغدغه بنیادین ناگزیر باید دو محور اصلی اقتصاد و سیاست را نیز از نظر گذراند.

۱] در عرصه ی جهان امروز طبق نظر رهبر معظم انقلاب هیچ نگرانی درمیدان سیاسی وجود ندارد چنانکه ایران اسلامی در موضع فعالیت، و دشمنان ما در موضع انفعالند. به لطف خداوند متعال حرکت سیاسی روان و پخته و سنجیده ای از سوی مسئولین کشور در حال انجام گرفتن است. وضع سیاسی داخل و خارج کشور از منظر رهبر، در وضعیت مطلوبی قرار دارد و نگرانی در این عرصه احساس نمی شود. هر چند دشمن در رسانه ها و با استفاده از تمام امکانات خود سعی در ضعیف نشان دادن چهره ی سیاسی بین المللی ایران اسلامی دارد. ولی واضحا این سیاه نمایی ها و هرآنچه از دشمن شنیده می شود محصول دشمنی اوست.

محور قابل تعمق بعدی محور اقتصادی است که از سرفصل ها و مسایل مهم کشور است. از لحاظ حرکت اقتصادی جامعه نیز نگرانی وجود ندارد هرچند طبقه ی مستضعف جامعه همواره متحمل محرومیت هایی هستند. با این حال در زمینه ی اقتصادی نیز با نگاهی کلان می توان نظاره گر حرکت روبه رشد این جریان بود.

۲] رهبر معظم در جمع مسولان و دست اندر کاران فرهنگی ابراز احساس نگرانی عمیقی در مساله فرهنگ را بیان می فرمایند. اما حرکت پربرت امام راحل را امید بخش آینده ی پر دغدغه ی فرهنگی قلمداد می کنند و هرگز در این راه امید خویش را از دست نداده و با وجود این نگرانی جدی و عمیق، با تلاشی روز افزون و امید به فضل الهی این راه را نیز پیمودنی معرفی می کنند. باید پذیرفت فرهنگ به عنوان یک عامل اساسی در رفتارهای فردی و اجتماعی تاثیر گذار خواهد بود و دامنه ی این اثر، محور سیاست را نیز متأثر خواهد کرد. آنچه که حقیقتا در مسایل فرهنگی اتفاق افتاده است کم کاری و دست کم گرفتن این مهم و تنها اتکا به صحبت هایی در این زمینه است. باید پاسخگوی سوالات مهمی مانند تاثیر فرهنگ در سرنوشت کشور یا اهمیت آن در آینده ی پرشکوهی که برای تمدن اسلامی در نظر گرفته ایم، باشیم.

گفتنی است بخش عمده فرهنگ همان عقاید و اخلاقیات یک فرد یا جامعه است، از طرفی رفتارهای جامعه برخاسته از همان فرهنگ هستند پس در حقیقت آنچه خلقیات و رفتارهای آدمی را در بزنگاه ها تعیین می کند؛ همان فرهنگ خواهد بود. ریشه فرهنگ، تلقی هر انسان از واقعیت است و مجموعه ی این خلقیات، جهت گیری کلان یک جامعه خواهند بود. رهبر با تاکید بر منظور خویش از واژه فرهنگ به عنوان ذهنیات، تصریح می فرمایند که ذهنیات حاکم بر وجود انسان به رفتارهای وی جهت می دهد به صورتی که گاه مسیری را تند و گاهی کند می پیماید. البته نباید از نظر دور داشت که بخش موثر دیگر در رفتارهای فردی و جمعی، استعداد، توانایی، هوش و امکانات است.

از مصادیق اثر باور بر رفتارهای فردی و اجتماعی می توان به هشت سال دفاع مقدس اشاره کرد. جوانانی که باورهای ذهنی آن ها اعتقاد به خدا و معاد، اعتقاد به دستور امام و همچنین اعتقاد به تجاوزگری دشمن بود که با این بایسته های در هم تنیده ذهنی و عقیدتی، فرد، تبدیل به موجودی فعال و پیشرو و اثرگذار می شود همان سان که اگر باورهای وی تخریب کرد، فردی منفعل و منهزم خواهد بود. فرهنگ فراتر از تعاریف جامعه شناختی مرسوم آن؛ مقوله ای است که مستقیما با قلب انسان در ارتباط است. مفهومی ذهنی با توان شخصیت سازی فردی و برون فردی. در حقیقت فرهنگ قوه ی دراکه ی آدمی است. با نکات برجسته گفته شد، روشن است کاری که با نفوذ فرهنگی می توان انجام داد قابل

۳] مساله فرهنگ امروزه در کشور ما از آن دسته اموری است که بشدت مورد غفلت واقع شده است. کارهای فرهنگی بسیاری در داخل و خارج کشور بر زمین مانده و باید دلسوزانه، همراه با خبرگی و کارشناسی رسیدگی شوند. گویا اقبال و استقبال خبرگان از انجام کار فرهنگی کم است. ورود در زمینه ی فرهنگ از اهمیت بیشتری برخوردار است چراکه با رشد ذهنیت های اصیل که همان کار فرهنگی است رشد در سایر زمینه ها نیز به دنبال آن ایجاد خواهد شد. حضور در عرصه ی سیاسی، کار آسانی است و توصیه حکیمانه ی رهبر به نخبگان، عدم ورود به کار سیاسی است زیرا این کار را آسان تلقی می فرمایند و بهتر است هر کسی در حیطه ای که در دسترس اوست به کار فرهنگی بپردازد. این قدرت تحلیل گری و توان فرهنگی مردم است که ایشان را در جریانات و حوادث سیاسی هشیار نگاه می دارد و بیمه کننده نظام و انقلاب است. قدرت دید سیاسی یکی از پی آمدها و فواید فرهنگ است که خود به تنهایی گویای ارجحیت کار فرهنگی بر کار سیاسی است. بسیاری از مشکلاتی که در ابتدا، سیاسی یا حتی اقتصادی تلقی می شوند در نگاهی درست، دارای ریشه های فرهنگی هستند. آنچه گونه ی نظام جمهوری اسلامی را از ابتدا از گونه های دیگر بشدت متمایز می ساخت مبنای فرهنگی آن بود متأسفانه باید پذیرفت آنچه در این زمینه انجام شده مطلوب ومورد انتظار نیست. باید از خود پرسید آیا فرهنگ جامعه بر مبنای تفکر و روحیه ی انقلاب، تحول لازم را یافته است؟ حقیقت مطلب حاکی از عدم تحقق تحول کامل فرهنگی بر اساس مبانی انقلاب است. رهبر معظم نیز درباره از بین رفتن روحیه ی انقلابی و آنچه در میدان جنگ برای رشد و بالندگی بدست آمده بود ابراز نگرانی دارند. در فرمایشات رهبر فرزانه انقلاب برای حفظ دستاوردهای گران بهای انقلاب باید خودنگری و بازنگری داشته باشیم. راه های جدید را جستجو کنیم. عیوب را شناخته و علاج نماییم. درصورت عدم اصلاح فرهنگ نمی توان به نتایج قعی تلاش ها امیدوار بود. پر واضح است که مساله ی فرهنگ باید مساله ی اول کشور به حساب آید تا افراد انقلابی با قبول زحمت در راستای انجام تکلیف خویش بتوانند قله ها را فتح کنند.